

رابطه عملکرد خانواده با سبک تفکر در تربیت کودک

چکیده

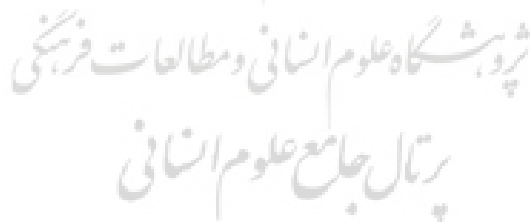
هدف: این پژوهش با هدف تعیین رابطه عملکرد خانواده با سبک تفکر در مادران کودکان مهد کودک شهر قم انجام پذیرفت.

روش شناسی: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی مادران کودکان مهد کودک شهر قم که زیر نظر سازمان بهزیستی شهر قم بودند، صورت گرفت. ۱۴۱ نفر از مادران کودکان مهد کودک به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲) و پرسشنامه استاندارد ابزار سنجش خانواده (۱۹۸۳) استفاده شد. داده‌ها با آزمون معناداری همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم افزار spss21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد رابطه مثبت و معناداری بین متغیر عملکرد خانواده با سبک تفکر وجود داشت ($p < 0/01$). سبک تفکر جزئی رابطه منفی و معناداری با عملکرد خانواده در سطح معنادار یک صدم داشت و بین سبک تفکر قضایی با عملکرد خانواده رابطه منفی و معنی‌داری برقرار بود. سبک‌های تفکر سلسله‌مراتبی، کلی، رابطه منفی و معنی‌داری با عملکرد خانواده برقرار کردند. سبک تفکر اولیگارش، درونی، محافظه‌کار، آزاد اندیش، رابطه مثبت و معناداری را با عملکرد خانواده به ترتیب برقرار کردند.

نتیجه‌گیری: تربیت و عملکرد موجود در خانواده بر شکل‌گیری و پرورش سبک‌های تفکر افراد از زمان کودکی تأثیر بسزایی می‌تواند داشته باشد.

کلید واژه‌ها: عملکرد خانواده، سبک تفکر، تربیت، کودک، مادران



^۱ استادیار و عضو هیات علمی گروه روانشناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. Sedaghat.m@semnaniau.ac.ir
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. psy.opinion@gmail.com

مقدمه

مطالعه رفتار انسانی و مسائل مربوط به آن از پیچیده‌ترین موضوعات در حیات بشری محسوب می‌گردد. این موضوع از جنبه‌های مختلف جامعه‌شناختی و روانشناختی قابل مطالعه و ارزیابی می‌باشد (عبدی، ۱۳۸۹). انسان دنیای امروز به لحاظ پیچیدگی‌های زندگی، وسعت و سرعت تغییرات با چالش‌های فراوان رو به روست که با گذشت زمان این چالش‌ها رو به فزونی است. هر یک از این بحران‌ها مشکلاتی را بر چگونگی زندگی افراد و رفتارهای اجتماعی و فردی آن‌ها تحمیل می‌کند. در حال حاضر برای رویارویی با این مشکلات رو به افزایش نیاز به تربیت انسان‌های متعهد به اصول و ارزش‌های دینی و آرمان‌های جامعه، بیش از پیش ضرورت یافته، پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های خاص را می‌طلبد (آمار، ۱۳۸۷). تربیت راهنمای جنبه‌های مختلف رشد شخصیت فرد یعنی جنبه‌های جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی و دینی است (بدیعیان، نوروزی، ۱۳۸۸). که زمان شروع آن از دوران کودکی است. دوران کودکی، دورانی است که نمی‌توان با سایر دوره‌ها مقایسه کرد. در این دوران جسم و جان کودک، برای پذیرش هر تربیت خوب و بد مهیا است و آنچه را که انسان در کودکی می‌آموزد، در اعماق جانش نفوذ می‌کند و تا پایان عمر می‌تواند به آسانی آنرا بکار بندد (فلسفی، ۱۳۸۶). امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: ((دل کودک همچون زمین خالی است، که هر دانه‌ای در آن بپاشند قبول می‌کند)) (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این خود نشان‌دهنده اهمیت تربیت در دوران کودکی می‌باشد که این دوران از دیدگاه علم از زمان تولد تا یازده سالگی و از دیدگاه اسلام از زمان تولد تا هفت سالگی را در بر می‌گیرد (بخشی‌پور، ۱۳۹۱).

یادگیری در این دوران بسیار عمیق‌تر و سریع‌تر از دوره‌های دیگر زندگی انسان است. در مراحل بعدی زندگی و با گذشت زمان، یادگیری و تربیت دشوارتر می‌شود و به مانند دوران کودکی نیست. چون انسان با گذشت زمان عادت‌هایی را برای خود کسب نموده و یک سری آموزش‌ها و تأثیرها را می‌پذیرد، که تغییر دادن آنها برای فرد مشکل می‌شود (رمضانی، ۱۳۸۹).

یکی از توانایی‌های انسان که پیچیدگی بیش از پیش رفتارهای او را نشان می‌دهد مسئله تفکر است، که یکی از مباحث مهم تربیت می‌باشد، که شروع یادگیری آن از دوران کودکی است. در واقع، تفکر به طور مستقیم تأثیر خود را در تصمیم‌ها، طرح‌ها، رفتارها، نحوه برخورد با مسائل و شرایط گوناگون در سطح سازمان متجلی می‌سازد (زارعی، ۱۳۸۵). به نقل از سعیدی نژاد، (۱۳۹۲) و از طرفی انسان دارای توانایی‌های متعددی است که شیوه و روشی که فرد ترجیح می‌دهد، توانایی‌های خود را در آن جهت به کار گیرد، سبک گفته می‌شود و در حوزه روانشناسی یادگیری به سه بخش سبک‌های یادگیری، شناختی و تفکر تقسیم می‌شود (گریگورینکو و استرنبرگ، ۱۹۹۵). براساس نظریه خود حکومتی ذهنی استرنبرگ، انسان ترجیحاتی در برخورد با امور پیرامونی و تفکر درباره آنها دارد، که به آن سبک تفکر گفته می‌شود. البته سبک‌های تفکر به خودی خود نه خوب هستند نه بد، بلکه به شیوه تفکری که انسان با آن راحت است، گفته می‌شود (استرنبرگ، ۱۹۹۷).

مطابق این نظریه همان‌طور که مسئولان حکومتی از شیوه‌های متفاوتی برای مدیریت و رهبری استفاده می‌کنند، هر فردی هم مانند حاکمی بر ذهن خویش عمل کرده و از شیوه‌های مختلفی برای مدیریت بر ذهن خود بهره می‌گیرد. عملکرد و نحوه مدیریت حکومت را می‌توان از لحاظ کارکرد، شکل، سطح، گرایش و دامنه تقسیم بندی کرد. کارکرد‌های اساسی حکومت‌ها قانونی، اجرایی و قضایی^۱ است. اشکال حکومت تک‌سالاری، مرتبه‌سالاری، گروه‌سالاری و هرج و مرج سالاری^۲ است. از جنبه گرایش، حکومت‌ها به محافظه کارانه و آزادمنشانه^۳ تقسیم پذیر است. از لحاظ سطح، کلی و جزئی^۴ و در خصوص دامنه سیاست‌های داخلی و خارجی دو سطح بیرونی و درونی^۵ مطرح است. هر کدام از این شیوه‌ها یا سبک‌های تفکر توسط افراد به منظور حکومت و اداره ذهن استفاده می‌شود. در این نظریه ۱۳ سبک تفکر ارائه شده است (زارع، آخوندی، ۱۳۹۱). که تحقیقات زیادی در این زمینه صورت گرفته که یکی از این تحقیقات، تحقیقی است که

^۱ Mental self government

^۲ legislative, executive & judicial

^۳ monarchic, hierarchic, oligarchic, anarchic

^۴ conservative & liberal

^۵ global & local

^۶ external & internal

اکبرزاده (۱۳۸۵) انجام داده است، نتایج نشان می دهد که عوامل شخصی (سن و جنس) و آموزشی (مقطع تحصیلی و دوره تحصیلی) با سبکهای تفکر و پیشرفت تحصیلی در ارتباط است (نظری فر، ۱۳۸۹).

بنیادی که اساس تفکر، باور، احساسات، عواطف، اخلاق و تمام شالوده انسان می باشد، خانواده است. خمیر مایه شخصیت کودکان در کانون خانواده شکل می گیرد و تقلید از رفتار والدین و دیگر اعضای خانواده از بارزترین ویژگیهای سنین پیش دبستانی است. هر قدر الگوهای رفتاری در نظر کودکان از شخصیت محبوب تری برخوردار باشند، رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنها بیشتر مورد توجه کودکان قرار می گیرند. ارتباط عاطفی با فرزند موجب می شود که وی با والدین خویش صمیمی باشد، به آنان اعتماد کند و آنان را پناهگاه خویش در بحرانهای زندگی بداند (افروز، ۱۳۷۲، به نقل ازپور رحمانی زرنیدی، ۱۳۹۱). عملکرد خانواده نیز، تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است (ثنائی، ۱۳۷۹). عملکرد خانواده به توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است. تغییرات کمی و کیفی در این فرایند باعث شکل گیری شخصیت متفاوت در خانواده می شود و در بیشتر موارد با وجود اینکه ممکن است پشتوانه ای برای سلامت رفتاری افراد باشد، مشکلات رفتاری خاصی را ایجاد می کند که به عوامل متعددی بستگی دارد (کدیور و همکاران، ۱۳۸۴).

تأثیر عملکرد والدین با فرزندان را به دو دسته تأثیر مثبت و منفی می توان تقسیم کرد. در خصوص تأثیرات مثبت خانواده بر فرزندان می توان به پژوهشهای مختلف اشاره کرد. در نتیجه تحقیقی که گلچین و همکاران (۱۳۸۶) انجام دادند ارتباط معناداری را بین عملکرد مطلوب خانواده با مسئولیت پذیری، خودپنداری، گرایش مذهبی و امید به آینده گزارش کردند. پژوهشهایی که تأثیرات منفی خانواده بر فرزندان را مورد مطالعه قرار داده اند را با دو عنوان بیرونی کردن و درونی کردن تأثیرات بر فرزندان می توان شناسایی کرد. بیرونی کردن تأثیرات، اغلب به صورت رفتارهای پرخاشگری و بزهکاری مورد توجه قرار گرفته اند. تأثیرات عملکرد منفی خانواده بر فرزندان به صورت درونی کردن مشکلات، معمولاً به صورت اضطراب و افسردگی خود را نشان می دهند (رحیمی نژاد، پاک نژاد، ۱۳۹۳).

اما در اهمیت وجود فرزند باید گفت که فرزند ستاره درخشنده ای است که در کارنامه هر زندگی می درخشد و برای به ثمر رسیدن آن هر کدام از پدر و مادر وظایفی را برعهده دارند. در این میان بیشترین سهم تربیت و تأثیر گذاری بر فرزندان از آن مادران است؛ زیرا مادر از ابتدای ترین مراحل پیدایش به عنوان مربی همراه انسان است (احمدپناهی، ۱۳۸۹). مادر، الگویی عملی برای کودک است. کودک بیش از هر کسی با مادر تماس دارد؛... دامن مادر، نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است. در این مدرسه کودک علم، اخلاق و دین می آموزد و مهمتر اینکه آنچه کودک در این مدرسه می آموزد، برای همیشه نزدش می ماند. طفلی که پای به عرصه این جهان می گذارد، آگاهی و نیرویی ندارد و کاملاً متکی به مادر است. بر این اساس، تا مادر خود را از عوامل فساد و اخلاق نادرست دور نکند، نمی تواند به زندگی خوب فرزندش امیدوار باشد. تأثیر اخلاقی مادر به گونه ای است که حتی می توان ادعا کرد که راه و رسم زندگی بعدی کودک، ادامه همان روش زندگی کنونی مادر است (برجی نژاد، ۱۳۸۹).

از جمله عوامل تأثیرگذار بر عملکرد افراد سبک های تفکر هستند. سبک های تفکر نیز از جمله عواملی است که تحت تربیت خانواده در افراد نهادینه می شود. وبهترین سن برای یادگیری و تربیت سن کودکی می باشد. در این راستا هدف پژوهش حاضر رابطه عملکرد خانواده با سبک تفکر در تربیت کودک می باشد.

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مادران کودکان مهد کودک شهر قم بود. در پژوهش حاضر با توجه به غیر قابل در دسترس بودن تعداد افراد جامعه و با احتساب نوع پژوهش که همان مدل رابطه ای است حداقل میزان نمونه که با احتساب افت آزمودنی ها ۱۴۱ نفر از مادران کودکان مهد کودک که زیر نظر سازمان بهزیستی بودند انتخاب شدند و شیوه نمونه گیری تصادفی از نوع تصادفی خوشه ای به کار گرفته شد، که با توجه به گسترده بودن جامعه مورد نظر، مهد های زیر نظر سازمان بهزیستی شهر قم انتخاب شدند. بدین صورت که پژوهشگر با مراجعه به اداره بهزیستی شهر قم ضمن گرفتن مجوز اجرای پژوهش و

همچنین گرفتن اطلاعات، مبنی بر تعداد مهدهای شهر قم اقدام به نمونه‌گیری نمود. که بر طبق اطلاعات و موقعیت جغرافیای مهد های مذکور، چهار منطقه به صورت شمال و جنوب و شرق و غرب در نظر گرفته شد. از هر منطقه سه مهد به صورت کاملاً تصادفی و براساس روش قرعه‌کشی انتخاب شدند و پرسشنامه‌های مورد نظر با هماهنگی مدیران مهد های انتخاب شده، بین مادران کودکان هر مهد با توجه به فراوانی آن مهد ها توزیع گشت. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش شامل موارد زیر است:

الف- پرسشنامه سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر (TSI) فرم کوتاه یک آزمون خود گزارش دهی و مداد و کاغذی است که شامل ۶۵ سؤال است و به وسیله استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲) طراحی شده است. هدف آن بررسی سبک های تفکر مختلف افراد در ۱۳ بعد بوده است. که این ابعاد شامل قانونی، اجرائی، قضایی، آزاد اندیش، محافظه کار، سلسله مراتبی، سلطنتی، اولیگارشی، آنارشیست، درونی، بیرونی، کلی، جزئی. این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت می باشد. به این صورت که هر ۵ سؤال یک سبک تفکر را مورد ارزیابی قرار می دهد و پاسخ به هر سؤال روی یک مقیاس ۵-۱ درجه ای لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱، مخالفم = ۲، نظری ندارم = ۳، موافقم = ۴ کاملاً موافقم = ۵) قرار می گیرد. سپس امتیازات هر بعد محاسبه می شود. برای بدست آوردن امتیاز هر بعد، مجموع امتیازات مربوط به سوالات آن بعد را با مورد محاسبه قرار می دهند. امتیازات بالاتر در هر بعد نشان دهنده سبک تفکر فرد پاسخ دهنده در آن بعد است و برعکس. البته امکان دارد که فرد پاسخ دهنده در چند بعد نمره بالا بگیرد که نشانگر این مطلب است که به سوی آن سبک های تفکر گرایش دارد.

روایی پرسشنامه در بین دانشجویان ایرانی و فرهنگ های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است (کدیورو همکاران، ۱۳۸۶؛ معنوی پور و خراسانی، ۱۳۸۴؛ فتح الهی و هومن، ۱۳۸۴ و زانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۹) روایی آزمون نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی و با استفاده از روش مؤلفه های اصلی و چرخش متعامد (واریماکس)، چهار عامل استخراج شد که میزان ۷۰/۵۹ درصد کل واریانس را تبیین کردند. (امامی پور، ۱۳۸۲) در مورد اعتبار آن زانگ، ضریب آلفای کرونباخ برای ۱۳ سبک را از ۰/۵۰ تا ۰/۸۰ گزارش نموده است. در پژوهش دیگر امامی پور (۱۳۸۲)، هم به منظور بررسی پایایی این آزمون، آنرا با روش باز آزمایی، با فاصله زمانی سه هفته روی ۳۰ دانشجو اجرا کرد که ضریب پایایی خرده آزمونها از ۰/۴۳ برای سبک قانون گذارانه تا ۰/۸۷ برای سبک محافظه کارانه و با میانگین ۰/۶۷ بود. همچنین ضریب همسانی برای کل سوالات پرسشنامه ۰/۹۲ بوده است. در پژوهش ولی الله و همکاران (۱۳۸۶) پایایی این پرسشنامه بنا بر مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد این پرسشنامه در دامنه ۰/۵۴ تا ۰/۷۲ بدست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این مقیاس است (شبکه آموزشی پژوهشی مادسیح). در پژوهش زانگ (۲۰۰۲) دامنه ضریب پایایی این پرسشنامه بین ۰/۴۰ تا ۰/۸۰ می باشد. اعتبار درونی این پرسشنامه از طریق تجزیه و تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون بدست آمده است که حدود ۰/۸۰ واریانس داده ها را تبیین می کند. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سبک های تفکر قانون گرایانه (۰/۷۴)، اجرائی (۰/۶۵)، قضایی (۰/۷۴)، کلی (۰/۶۵)، جزئی (۰/۶۷)، آزادمنشانه (۰/۸۳)، محافظه کارانه (۰/۷۶)، سلسله مراتبی (۰/۷۵)، سلطنتی (۰/۶۵)، آنارشی (۰/۵۱)، اولیگارشی (۰/۷۰)، درونی (۰/۷۳)، بیرونی (۰/۷۸) به دست آمده است (زانگ، ۲۰۰۲ به نقل از بازدار و همکاران، ۱۳۹۲)

ب- پرسشنامه استاندارد ابزار سنجش خانواده (FAD) یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است که برای سنجیدن عملکرد خانواده بر مبنای الگوی مک مستر، تدوین شده است. این ابزار در سال ۱۹۸۳ توسط اپشتاین، بالدوین و بیشاب با هدف توصیف ویژگی های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است که توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خود گزارش دهی، مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهد (ثنایی، ۱۳۷۹). این آزمون دارای شش خرده مقیاس شامل: حل مسأله، ارتباط، نقش، پاسخگویی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار و یک نمره به عنوان کارکرد کلی می باشد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۴ درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم: ۱، موافق: ۲، مخالف: ۳ و کاملاً مخالف: ۴) می باشد. آزمودنی برای هر ماده یکی از گزینه را انتخاب می کند. نمره بالاتر نشانگر کاکرد ناسالم تر است. اما سوالات: ۱-۴-۵-۷-۹-۸-۱۱-۱۳-۱۴-۱۵-۱۷-۱۹-۲۱-۲۲-۲۳-۳۱-۳۳-۳۴-۳۵-۳۷-۳۹-۴۱-۴۲-۴۴-۴۵-۴۷-۴۸-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴ و ۵۸ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. در مرحله بعد برای بدست آوردن نمرات هر کدام از خرده مقیاس ها، نمره های سوالهای مربوط به هر کدام از آنها را با هم جمع می کنیم. نمرات بدست آمده بیانگر نمره هر فرد در هر کدام از خرده مقیاسها است. در این آزمون نمرات کمتر بیانگر عملکرد سالمتر است.

¹ Family Assessment Device

در ایران اولین نسخه ۵۳ ماده ای FAD توسط نجاریان (۱۳۷۴) ترجمه شد و ویژگیهای روانسنجی آن مورد بررسی قرار گرفت. وی همسانی درونی آزمون را با استفاده از فرمول آلفای کرانباخ بین ۱۴٪ (مقیاس کارکرد کلی) تا ۷۰٪ (آمیختگی عاطفی) بدست آورد و با حذف ۸ ماده که همسانی درونی آزمون را کاهش می دادند، یک فرم ۴۵ ماده ای را ارائه داد که نمره گذاری آن با FAD متفاوت است و آن را FAD1 نامید. سپس در تحقیقات بعدی این فرم به تدریج به ۶۵ سؤال رسید، که در پژوهش زاده محمدی، ملک خسروی (۱۳۸۵)، اعتباریابی ابعاد پرسشنامه سنجش کارکرد خانواده (FAD) بدست آمد بدین صورت که اعتبار درونی پرسشنامه سنجش کارکرد خانواده توسط ۹۴ نفر از مادران دانش آموز مدارس ابتدایی شهر تهران تکمیل شد، ۳۲ نفر از مادران دوبار پرسشنامه را دریافت کردند و پاسخ دادند؛ پس از جمع آوری داده ها، آلفای کرونباخ سؤالات مربوط به هر یک از ابعاد، تعیین و معادلسازی نمرات خام به نمرات استاندارد Z و تعیین نمرات استاندارد با میانگین ۵۰ و انحراف استاندارد ۱۰ (نمره t) انجام شد. نتایج بدست آمده نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون در مورد نمرات مرحله اول و دوم بازآزمایی از ۰/۵۷ تا ۰/۸۰۴ بوده است و با توجه به معناداری همه آنها به نظر می آید که ابعاد این پرسشنامه از اعتبار بازآزمایی کافی برخوردار است. همبستگی کلی پرسشنامه نیز در دو مرحله ۰/۸۲۶ بوده است که نشان از همین مورد دارد. آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه ابزار سنجش خانواده در ارتباط با همه سؤالات ۰/۹۴۰۶ و در مورد خرده مقیاس (ابعاد) کارکرد خانواده ۰/۹۰۵۱ است، در مورد ابعاد مختلف پرسشنامه آلفای کرونباخ سؤالات مربوط به بعد کارکرد کلی ۰/۸۲۷۶، بعد حل مسئله ۰/۷۲۲۷، بعد ارتباط ۰/۷۰۰۷، بعد نقشها ۰/۷۱، بعد آمیختگی عاطفی ۰/۷۳۶۴، بعد پاسخگویی عاطفی ۰/۷۱۰۶ و به بعد کنترل ۰/۶۶۰۰ بود که به نظر رسید از اعتبار نسبتاً خوبی برخوردار باشد.

پس از اجرای آزمون ها، داده ها و اطلاعات به دست آمده در دو بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار spss، ورژن ۲۳، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بخش توصیف داده ها از شاخص های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد) و در بخش تحلیل داده ها از آمار استنباطی (آزمون معناداری همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون چند متغیره) برای داده ها به کار گرفته شد.

یافته ها

در این پژوهش ((رابطه عملکرد خانواده با سبک تفکر در مادران کودکان مهد کودک شهر قم)) بررسی شده است. بدین منظور برای توصیف داده ها از آمار توصیفی و برای تحلیل داده ها از آمار استنباطی استفاده شده است. در بخش توصیف داده ها از میانگین و انحراف استاندارد و ... و در بخش آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. جدول داده های توصیفی عملکرد خانواده

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
حل مسأله	۱۴۱	۱۰.۱۸۰۳	۳.۷۶۸۱۱	۳.۰۰	۲۴.۰۰
ارتباطات	۱۴۱	۱۳.۰۶۵۶	۴.۵۶۱۳۱	۱.۰۰	۲۷.۰۰
نقشها	۱۴۱	۱۷.۸۶۸۹	۴.۳۸۲۴۴	۵.۰۰	۲۹.۰۰
پاسخ گویی اثربخش	۱۴۱	۱۲.۴۵۰۸	۴.۴۶۸۶۳	۱.۰۰	۲۸.۰۰
درگیری اثربخش	۱۴۱	۱۵.۷۵۴۱	۴.۵۴۷۸۴	۴.۰۰	۲۹.۰۰
کنترل رفتار	۱۴۱	۱۸.۸۶۸۹	۵.۷۵۲۴۰	۱.۰۰	۳۷.۰۰
کارکرد کلی	۱۴۱	۲۲.۶۶۳۹	۷.۷۲۵۲۵	۶.۰۰	۴۸.۰۰
عملکرد خانواده	۱۴۱	۱۱۰.۸۵۲۵	۳۰.۰۶۹۵۳	۲۲.۰۰	۲۲۰.۰۰

بر اساس داده های جدول ۱ میانگین مقدار مولفه های عملکرد خانواده مورد بررسی قرار گرفت. همانطور که ملاحظه می شود، کمترین میانگین مربوط به مولفه حل مسأله و بالاترین میانگین مربوط به مولفه کارکرد کلی می باشد.

جدول ۲. جدول داده های توصیفی سبک های تفکر

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سبک تفکر قانونی	۱۴۱	۱۹.۴۵۹۰	۲.۶۱۹۵۳	۱۱.۰۰	۲۵.۰۰
سبک تفکر اجرائی	۱۴۱	۱۹.۱۷۲۱	۲.۷۵۹۴۸	۸.۰۰	۲۵.۰۰

۲۵.۰۰	۹.۰۰	۳.۰۶۵۹۲	۱۸.۸۲۷۹	۱۴۱	سبک تفکر قضائی
۲۵.۰۰	۸.۰۰	۳.۱۵۲۴۹	۱۶.۷۲۱۳	۱۴۱	سبک تفکر کلی
۲۵.۰۰	۹.۰۰	۳.۰۲۷۹۴	۱۷.۲۹۵۱	۱۴۱	سبک تفکر جزئی
۲۵.۰۰	۴.۰۰	۳.۶۶۴۷۹	۱۸.۳۹۳۴	۱۴۱	سبک تفکر آزاد اندیش
۲۵.۰۰	۹.۰۰	۳.۳۱۹۳۱	۱۸.۸۱۷۰	۱۴۱	سبک تفکر محافظه کار
۲۵.۰۰	۱۴.۰۰	۲.۵۸۳۳۴	۲۰.۴۰۹۸	۱۴۱	سبک تفکر سلسله مراتبی
۲۵.۰۰	۸.۰۰	۳.۰۲۳۹۵	۱۷.۷۸۶۹	۱۴۱	سبک تفکر سلطنتی
۲۵.۰۰	۱۰.۰۰	۲.۹۳۸۳۸	۱۹.۱۶۳۹	۱۴۱	سبک تفکر اولیگارشی
۲۵.۰۰	۹.۰۰	۲.۹۲۱۱۹	۱۸.۶۸۰۳	۱۴۱	سبک تفکر آنارشیت
۲۵.۰۰	۷.۰۰	۳.۶۳۱۱۲	۱۴.۸۲۷۹	۱۴۱	سبک تفکر درونی
۲۵.۰۰	۹.۰۰	۳.۰۸۱۰۹	۱۹.۸۱۱۵	۱۴۱	سبک تفکر بیرونی

بر اساس داده های جدول ۲ میانگین مقدار مولفه های سبک های تفکر مورد بررسی قرار گرفت، که بالاترین میانگین مربوط به مولفه سبک تفکر سلسله مراتبی و کمترین میانگین مربوط به سبک تفکر درونی می باشد.

جهت پاسخگویی به فرضیه های پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون استفاده شد که در نتیجه رابطه بین عملکرد خانواده با سبک تفکر یک رابطه معنادار بود، بدین صورت که رابطه بین عملکرد خانواده و سبک تفکر قانونی و رابطه بین عملکرد خانواده و سبک تفکر اجرائی، رابطه مثبت و معنادار بدست آمد. همچنین رابطه بین عملکرد خانواده با سبک تفکر سلطنتی رابطه مثبت و معنادار بود و بین عملکرد خانواده با سبک تفکر آنارشیت، با سبک تفکر بیرونی رابطه منفی و معناداری به وجود آمد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیون چند متغیره عملکرد خانواده با سبک تفکر

متغیر ملاک	متغیر های پیش بین	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معناداری
عملکرد خانواده	اثر ثابت		۱۴۶۰۵	۰۰۰
	سبک تفکر قانونی	-۰.۱۷	-۰.۱۲۵	۰.۹۰۱
	سبک تفکر اجرائی	-۰.۱۰۶	-۰.۷۱۵	۰.۴۷۶
	سبک تفکر قضائی	-۰.۲۰۲	-۱.۶۹۶	۰.۰۴۸
	سبک تفکر کلی	-۰.۲۹۰	-۲.۵۷۸	۰.۰۰۸
	سبک تفکر جزئی	-۰.۴۸۷	-۳.۳۴۴	۰.۰۰۰
	سبک تفکر آزاد اندیش	۰.۲۳۳	۱.۹۴۸	۰.۰۴۵
	سبک تفکر محافظه کار	۰.۲۷۸	۱.۱۲۵	۰.۲۳
	سبک تفکر سلسله مراتبی	-۰.۲۹۴	-۲.۶۸۲	۰.۰۰۷
	سبک تفکر سلطنتی	۰.۰۶۷	۰.۴۷۵	۰.۶۳۶
	سبک تفکر اولیگارشی	۰.۲۷۲	۲.۸۰۴	۰.۰۰۴
	سبک تفکر آنارشیت	-۰.۰۰۵	-۰.۳۳	۰.۹۷۴
	سبک تفکر درونی	۰.۲۴۹	۱.۱۵۵	۰.۰۳۱
	سبک تفکر بیرونی	۰.۰۵۹	۰.۴۳۰	۰.۶۶۸
۱	R	۰.۳۳۵ ^a	R ²	۰.۱۱۲

نتایج ضریب رگرسیون بدین قرار بود که با توجه به میزان R^2 موجود در جدول ۳ می توان نتیجه گرفت که عملکرد خانواده از روی سبکهای تفکر در مدل ارایه شده قابل تبیین است. بر اساس ضریب استاندارد بتا، سبک تفکر جزئی بیشترین سهم را در تبیین واریانس عملکرد خانواده دارد. به طوری که با هر واحد تغییر در واریانس عملکرد خانواده به همان میزان در واریانس عملکرد خانواده تغییر ایجاد می گردد که این رابطه منفی و معکوس می باشد (در سطح آلفای ۰.۰۱ یعنی با اطمینان ۹۹٪)

بین عملکرد خانواده با سبک تفکر قضائی در سطح آلفای ۰.۰۵ یعنی با اطمینان ۹۵٪ رابطه وجود دارد. همچنین بین عملکرد خانواده با سبک تفکر کلی در سطح آلفای ۰.۰۵ یعنی با اطمینان ۹۵٪ و بین عملکرد خانواده و سبک تفکر آزاد اندیش در سطح آلفای ۰.۰۵ یعنی با

اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. بین عملکرد خانواده و سبک تفکر محافظه کار در سطح آلفای ۰.۰۵ یعنی با اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار است. بین عملکرد خانواده و سبک تفکر سلسله مراتبی در سطح آلفای ۰.۰۵ یعنی با اطمینان ۹۵٪ رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین عملکرد خانواده و سبک تفکر اولیگارش‌ی در سطح آلفای ۰.۰۵ یعنی با اطمینان ۹۵٪ رابطه معنادار است همچنین بین عملکرد خانواده و سبک تفکر درونی در سطح آلفای ۰.۰۵ یعنی با اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش بین عملکرد خانواده و برخی از سبک های تفکر رابطه بدست آمد. بدین صورت که نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد، که بین عملکرد خانواده با سبک تفکر در مادران کودکان مهد کودک شهر قم، رابطه معناداری برقرار است به طوری که طبق نتایج بین عملکرد خانواده با سبک تفکر جزئی رابطه ی معناداری وجود دارد و سبک تفکر جزئی بیش ترین سهم را در تبیین رابطه معنادار با عملکرد خانواده داراست، که این رابطه به طور معکوس و منفی می باشد. بین سبک تفکر قضایی با عملکرد خانواده رابطه منفی و معنی داری برقرار می باشد. سبک تفکر سلسله مراتبی، سبک تفکر کلی، رابطه منفی و معنی داری با عملکرد خانواده برقرار کردند. که این رابطه به صورت معکوس می باشد که با افزایش و کاهش عملکرد خانواده شاهد رابطه معکوس هریک از سبک های تفکر ذکر شده با عملکرد خانواده هستیم. سبک تفکر اولیگارش‌ی، سبک تفکر درونی، سبک تفکر محافظه کار، سبک تفکر آزاد اندیش، رابطه مثبت و معناداری را با عملکرد خانواده به ترتیب برقرار کرده اند به طوری که با افزایش عملکرد خانواده به طور کلی شاهد افزایش هر یک از سبک های نامبرده خواهیم بود و با کاهش عملکرد خانواده شاهد کاهش هر یک سبک های تفکر ذکر شده هستیم. بنابراین فرضیه های پژوهش تأیید می شود.

همسو با این نتایج تحقیقی یافت نشد، اما در ارتباط با این تحقیق، چرابین و همکاران (۱۳۹۶) در رابطه بین شیوه های مختلف تربیتی و عملکرد خانواده با عملکرد تحصیلی دانش آموزان داشتند. نتایج نشان داد بین شیوه تربیتی اقتداری و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی دار و همچنین بین دوتا از مولفه های دیگر و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنا دار می باشد و از طرفی تحقیق که امامی پور، سیف (۱۳۸۲) بررسی تحولی سبک های تفکر در دانش آموزان و دانشجویان و رابطه آنها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی داشتند. یافته های پژوهش نشان داد که ۱- بین برخی از سبک های تفکر آزمودنی ها و گروه های سنی گوناگون تفاوت وجود دارد. ۲- بین برخی سبک های تفکر دانش آموزان و دانشجویان مقاطع تحصیلی گوناگون تفاوت وجود دارد ۳- بین سبک های تفکر دختران و پسران در عده ای از سبک های تفکر تفاوت وجود دارد. ۴- بین سبک های تفکر و خلاقیت رابطه معنی داری وجود دارد، به طوری که سبک تفکر آزادمنشانه با افزایش خلاقیت و سبک تفکر محافظه کارانه با کاهش خلاقیت رابطه دارد. ۵- بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. در ارتباط با این تحقیق، پژوهش خیر و استوار (۱۳۸۵) با هدف بررسی رابطه ی بین سبک های تفکر و برخی شاخص های طبقه ی اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از کودکان نشان داده است که در درجه ی نخست، سبک های تفکر آزادمنشانه و سپس تحصیلات مادر و شغل پدر بهترین پیش بینی کننده ی پیشرفت تحصیلی کودکان است.

در تبیین این امر باید گفت که وجه همبسته ما بین این دو تحقیق عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی می باشد که هر کدام از متغیر های عملکرد خانواده و سبک های تفکر به صورت جداگانه آنها را بررسی کردند. که در رابطه با آن باید گفت که خانواده نخستین کانون تعلیم و تربیت فرزندان می باشد و از طرفی یکی از مباحث مهم در تعلیم و تربیت، تفکر است که رشد، پرورش و ارزشیابی تفکر یکی از کارکرد های اصلی تعلیم و تربیت می باشد. چرا که تمام موفقیت ها و پیشرفت های انسان در نتیجه اندیشه پویا و بارور صورت می گیرد. خانواده خود کانون رشد و شکوفایی همه جانبه افراد می باشد، که سهم تفکر در اینجا حائز اهمیت است و نخستین سبک های تفکر در کانون خانواده و در نتیجه روابط و تعاملات بین فردی مابین والدین و فرزندان فراگرفته می شود. پیشرفت تحصیلی و عملکرد تحصیلی مطلوب، خواسته و آرزوی هر خانواده برای فرزندان خود می باشد و بنابر نظر متخصصان امر تعلیم و تربیت و دانشمندان این حوزه، پیشرفت و داشتن عملکرد تحصیلی مطلوب به طور نسبی در تمام افراد وجود دارد ولی امکان بروز و میزان رشد آن متفاوت است و چون خانواده زمینه ساز تشکیل استعدادها و تکوین شخصیت و رفتارهای کودکان و زمینه ساز سازگاری فرد با جامعه از کارکردهای آن می باشد، این امر از رفتار کودک که در خانواده شکل گرفته سر منشأ می گیرد. که همسو با این گفته تحقیق ترکزاد (۱۳۹۳) در مورد رابطه جو عاطفی خانواده با عملکرد تحصیلی و

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه شهر مرودشت بود. نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که بین عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی با جو عاطفی خانواده رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

در تحقیق یاری مقدم و همکاران (۱۳۹۲) که رابطه ی سبک های دلبستگی با کارکردهای سبک های تفکر دختران مقطع متوسطه ی شهر همدان را بررسی کردند، نتایج نشان داد که سبک دلبستگی ایمن بر خلاف سبک دلبستگی نا ایمن بیشترین سهم را در پیش بینی سبک تفکر قضایی، اجرایی و قانونگذارانه داشت و همبستگی مثبت بین آنها معنادار بود، در ضمن بین کارکردهای سبکهای تفکر و سبک دلبستگی نا ایمن همبستگی منفی دیده شد. در تحقیق دیگری که رنجبر، گلستانه (۱۳۹۵) در رابطه بین الگوهای تعاملی والدین، شیوه های فرزند پروری و عملکرد خانواده بر سبک های دلبستگی کودکان دبستانی داشتند. به این نتایج دست یافتند که بین الگوی تعاملی والدین با سبک های دلبستگی ایمن و نا ایمن دو سوگرا، کودکان دبستانی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین شیوه فرزند پروری اقتدارطلبی با سبک های دلبستگی ایمن کودکان دبستانی رابطه مثبت و معنادار و با سبک های دلبستگی نایمن اجتنابی رابطه منفی و معنادار، بین شیوه فرزند پروری آزادمنشانه با سبک های دلبستگی ایمن کودکان دبستانی رابطه منفی و معناداری وجود دارد، ولی با سبک دلبستگی نا ایمن (اجتنابی و دو سو گرا) رابطه مثبت و معناداری برقرار است. بین عملکرد خانواده با سبک های دلبستگی ایمن و نا ایمن دوسوگرا با کودکان دبستانی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد اما عملکرد خانواده با سبک دلبستگی نا ایمن اجتنابی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

در تبیین این مطالب باید گفت که وجه تشابه این دو تحقیق سبک های دلبستگی است. رابطه ای که سبک های دلبستگی با عملکرد خانواده دارند غیر قابل انکار می باشد، به طوری که نوع روابط خاصی که مابین اعضای خانواده شکل می گیرد، تعیین گر سلامتی و بهزیستی روانی کودکان خواهد بود، این روابط از سالهای دورتر یعنی ناشی از رابطه عاطفی کودک و مراقب اولیه در سالهای نخستین زندگی شکل می گیرد که تأثیر مهمی بر رشد شخصیت و روابط بعدی در سالیان دیگر عمر خواهد داشت و چون سبک های تفکر یکی از عواملی است که در ابتدا و در اثر یادگیری و روابط فی مابین والدین و کودکان شکل می گیرد، روابط دلبستگی یکی از عوامل اثر گذار بر سبک های تفکر در دوران های بعدی زندگی می باشد. با توجه به اینکه تا حالا تحقیقی رابطه بین عملکرد خانواده با سبک تفکر را بررسی نکرده است این خود یک نوآوری می باشد.

در نتیجه می توان گفت، خانواده مرکز سیر و تحولات فراوانی برای کودکان است، رشد اولیه و پایه ی شخصیت کودکان در بستر خانواده شکل می گیرد، خانواده سالم و هماهنگ یک نظام می باشد، که هر گونه اختلال در آن از جمله نبود سلامت اعضا از لحاظ جسمی و روانی موجبات اختلال در کل اعضا را فراهم می کنند، کودکان از نخستین سالهای زندگی تا سالهای متمادی در خانواده زندگی می کنند، تمام رفتار و عملکرد بین افراد از خانواده سر چشمه گرفته و رفتار و روابط و مناسبات بعدی آنها را در سنین بزرگسالی رقم می زند. اگر خانواده عملکرد صحیح را با توجه به ابعادی که برای عملکرد او در نظر گرفته شده است، یعنی، حل مسئله، ارتباطات، نقشها، پاسخدهی عاطفی، آمیختگی عاطفی (درجه و کیفیت علاقه و سرمایه گذاری هایی که اعضای خانواده برای خود دارند)، کنترل رفتار (آموزش رفتار مطابق با استانداردها و آزادی های رفتاری) داشته باشد می تواند در یاددهی اصول و قواعد مربوط به تربیت و سبک های تفکر متناسب با موقعیت های زندگی که کودکان در آن قرار دارند، به شیوه ی مطلوب عمل کند. و ما شواهد نسلی، پویا، متعهد در شئون مختلف زندگی و انواع مناسبات انسانی خواهیم بود.

محدودیت های پژوهش و پیشنهادات کاربردی و پژوهشی: در این پژوهش با مواردی مواجه بوده ایم: عدم کنترل متغیر مزاحم در روند پژوهش، محدود کردن جامعه به مهد های کودک زیر نظر سازمان بهزیستی که بهتر است به مهد های کودک سایر ارگانها این تحقیق تسری پیدا کند، مؤلفه ی جنسیت که صرفاً مادران در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته اند و بهتر است در تحقیقات آتی پدران نیز مورد بررسی قرار گیرند، محدودهای سنی که به مادران کودکان مهد کودک محدود شده است، بهتر است سایر محدوده های سنی (دبستان، متوسطه و دانشگاه) نیز مدنظر و پژوهش قرار گیرد. در نهایت این پژوهش صرفاً در شهر قم و به صورت تصادفی خوشه ای صورت گرفته است که بهتر است در تحقیقات بعدی در شهرهای دیگر و از دیگر روش های پژوهشی از جمله روش کیفی و مصاحبه استفاده گردد. در سطح پیشنهادات پژوهشی، در سطح کلان پیشنهاد می گردد، تا سیاست گزاران و مجریان در حوزه پرورش و تربیت کودک، رسانه های ارتباط جمعی در قالب برنامه هایی برای والدین و از دانشگاهها، مراکز مشاوره با اتخاذ اهداف و برنامه ها در جهت آموزش و پایه گذاری شیوه های برخورد با کودکان و نوجوانان، و مربیان و تمام دست اندرکاران مهد های کودک و پیش دبستانی ها زیر نظر ارگانهای مختلف و مدارس به گنجاندن

مؤلفه های عملکرد خانواده، راههای پرورش و تقویت سبک های تفکر و استفاده به هنگام از هر سبک با توجه به موقعیت در جهت موفقیت، برای کودکان متناسب با سنین مختلف بپردازند، تا شاهد پرورش نسلی کوشا و متعهد باشیم.

منابع

- امامی پور، سوزان و سیف، علی اکبر. (۱۳۸۲). بررسی تحول سبک های تفکر در دانش آموزان و دانشجویان و رابطه آنها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۲ (۳): ۳۵-۵۶.
- بازدار، فاطمه. موسی زاده، توکل و نریمانی، محمد. (۱۳۹۲). مقایسه سبک های تفکر، سبک های اسناد، خوش بینی، بدبینی، در بیماران مبتلا به اختلال وسواس و افراد بهنجار. پژوهش های نوین روان شناختی، ۸ (۳۲): ۲۷-۴۵.
- ترکزاد، میترا. (۱۳۹۳). رابطه جو عاطفی خانواده با عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر متوسطه شهر مرودشت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی. گروه علوم تربیتی.
- خیر، محمد و استوار، صدیقه. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ی سبک های تفکر و برخی شاخص های طبقه بندی اجتماعی با پیشرفت تحصیلی. ماهنامه ی علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال ۱۳، دوره جدید، (۲۱): ۴۹-۴۸.
- زاده محمدی، علی و ملک خسروی، غفار. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی ویژگیهای روانسنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD). فصلنامه خانواده پژوهشی، ۲ (۵): ۶۹ و ۸۷.
- سعیدی نژاد، سمیه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ی سبک های تفکر و سبک های انضباطی مدیران مدارس با رفتارهای پر خطر نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- شبکه آموزشی پژوهشی مادسیج (۱۳۹۵). پرسشنامه سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر (TSI) فرم کوتاه. شبکه آموزشی پژوهشی مادسیج. بازیابی شده در ۹۶/۲/۱۹ از <http://madsg.com>.
- یاری مقدم، نفیسه. محقق، حسین و یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۲). رابطه ی سبک های دلبستگی با کارکردهای سبک های تفکر دختران مقطع متوسطه ی شهرهمدان. فصلنامه مطالعات اجتماعی و روان شناختی زنان، ۱۱ (۳): ۱۶۰-۱۶۲.

Sternberg, R. J. (1997). *Thinking Styles*, New York: Cambridge University Press.

Zhang, L.F., & Strenberg, R. J. (2009). *Revisiting the Value Issue in intellectual style*. In L.F.

The Relationship between Family Function and Thinking Styles in Child Training

Mastore Sedaghat*

Kosar Sadat Seyed Mousavi^۲

Abstract

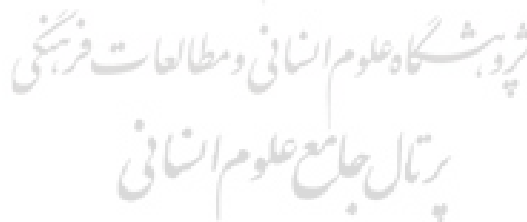
Purpose: The aim of this study was to determine the relationship between family function and thinking style in mothers of kindergarten children in Qom.

Method: The research method was descriptive correlational. The statistical population of this study included all mothers of kindergarten children in Qom who were under the supervision of Welfare Organization of Qom. Three mothers of kindergarten children were selected by cluster random sampling. Sternberg and Wagner (1992) and standard questionnaires (1983) were used to collect data. Data were analyzed by Pearson correlation coefficient and multivariate regression model using spss21 software.

Results: Findings showed that there was a positive and significant relationship between family functioning variable and thinking style ($p < 0.01$). The partial thinking style had a significant negative relationship with family functioning at one hundredth level and there was a significant negative relationship between judicial thinking style and family functioning. Hierarchical, general thinking styles, negatively and significantly correlated with family functioning. Oligarchic, internalized, conservative, free-thinking, positive and meaningful relationship with family functioning, respectively.

Conclusion: Family education and performance can have a significant impact on the development and development of people's thinking styles from childhood.

Keywords: Family functioning, Thinking style, Education, Child, Mothers



¹ Assistant Professor, Department of Psychology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. Sedaghat.m@semnaniau.ac.ir

² M.Sc Student of Personality Psychology, Islamic Azad University, Tehran, Iran. psy.opinion@gmail.com